

## امام حسین (ع) طلایه دار عزت شیعه

امام حسین (ع) طلایه دار عزت شیعه



امام حسین (ع)

همانا مردمی خدا را برای شوق بهشت پرستش می کنند که این پرستش تجار است.

و همانا مردم دیگری خدا را از روی ترس می پرستند که این پرستش بردگان است.

و همانا مردمی خدا را از روی شکر و سپاس عبادت می کنند که این عبادت آزادگان است و این نوع پرستش والاترین نوع عبادت است.

عود بسوزانید و دست بیفشانید که وام گذار عزت شیعه از راه می رسد.

کسی که دلش فراخنای دشت ها را می ماند و صدایش، سکوت آزادگان زمین را به فریاد می خواند.

او می آید تا دین رسول الله صلی الله علیه و آله پایمال ستم و ناجوانمردی نشود.

می آید، با چشمانی که افق های سرخ را تجربه خواهد کرد و دستانی که درخت ظلم را بارور نمی خواهد.

اوست که دهمین روز محرم را به تاریخی جاودان بدل می کند.

امام حسین علیه السلام در سوم شعبان سال چهارم هجری با ولادت خود جهان را نورانی ساخت و عطر حضور خود را در گیتی گستراند. گرچه اوج حماسه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا تجلی

یافت ولی مبارزات ستم ستیزانه آن امام بزرگ منحصر به دوره قیام علیه ستم یزید نیست و در زمان پدر یزید (معاویه) نیز غیرت الهی امام حسین علیه السلام ایشان را آرام نگذاشت. به عبارت دیگر،

همه دوره زندگی امام حسین حماسه و غیرت است، ولی این حماسه و غیرت در محرم سال 61 هجری همچون آتشفشان فوران کرد و بنیاد ستم را از بیخ برانداخت. امام حسین علیه السلام نه تنها

برای شیعیان مظهر غیرت و شجاعت است، بلکه همه جهانیان او را به آزادی و ستم ستیزی می ستایند.

آن حضرت حدود شش سال در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادرش حضرت زهرا علیها السلام بود و سپس نزدیک به سی سال دوره همراهی با پدرش امام علی علیه السلام را سپری کرد.

پس از آن، در زمان امامت امام حسن مجتبی علیه السلام، ده سال یاور ایشان بود و به وی بسیار احترام می گذاشت.

بعد از آن، ده سال دوره حکومت معاویه را تحمل کرد و سپس در آغاز حکومت نامشروع یزید، بیعت با او را نپذیرفت و به قیام برخاست و همراه با یاران باوفایش، در 57 سالگی به شهادت رسید.

حکایتی زیبا از امام حسین (ع): روش پند دادن گناهکار

جوانی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت: «من مردی گناه کارم و نمی توانم خود را از انجام گناهان بازدارم، مرا نصیحتی فرما» امام حسین علیه السلام فرمود:

پنج کار را انجام بده و آن گاه هرچه می خواهی، گناه کن.

اول، روزی خدا را مخور و هرچه می خواهی گناه کن.

دوم، از حکومت خدا بیرون برو و هرچه می خواهی گناه کن.

سوم، جایی را انتخاب کن تا خداوند تو را نبیند و هرچه می خواهی گناه کن.

چهارم، وقتی عزرائیل برای گرفتن جان تو آمد، او را از خود بران و هرچه می خواهی گناه کن.

پنجم، زمانی که مالک دوزخ، تو را به سوی آتش می برد، در آتش وارد مشو و هرچه می خواهی گناه کن.

جووان اندکی فکر کرد و شرمنده شد و در برابر واقعیت های طرح شده، چاره ای جز توبه نیافت.

التماس دعا